

بررسی تناسب زمان اختصاص یافته به درس جامعه‌شناسی با عناصر محتوا، روش تدریس و ارزشیابی از منظر ذینفعان برنامه درسی (متخصصان، دبیران و دانش آموزان)

فریناز کرزه بر- دانش آموخته کارشناس ارشد برنامه ریزی درسی دانشگاه الزهرا(س)
پروین احمدی^۱- استادیار دانشگاه الزهرا(س)
مژده وزیری- استادیار دانشگاه الزهرا(س) و عضو شورای عالی آموزش و پرورش

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی زمان اختصاص یافته در برنامه درسی جامعه‌شناسی (۱) سال دوم انسانی از دیدگاه شرکاء برنامه درسی (دبیران، دانش آموزان و متخصصان) در سال تحصیلی ۹۱-۹۰ در دبیرستان های دولتی دخترانه‌ی شهر تهران بوده است. روش تحقیق توصیفی (پیمایشی)، جامعه آماری پژوهش، دبیران زن درس مطالعات اجتماعی و دانش آموزان سال دوم انسانی مدارس دخترانه مناطق ۱۹گانه شهر تهران، همچنین، کارشناسان و مؤلفین سازمان پژوهش و برنامه ریزی که به نوعی در تألیف و تدریس کتاب جامعه‌شناسی شرکت داشته‌اند. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای سهمیه‌ای بوده که با استفاده از جدول مورگان ۳۴۶ نفر دانش آموز و ۶۵ نفر از دبیران و ۱۵ نفر از کارشناسان به عنوان نمونه انتخاب شدند. ابزار پژوهش، پرسشنامه محقق ساخته بود که جهت حصول اطمینان از روایی آن توسط صاحب نظران و اساتید راهنما و مشاور مورد بررسی و تأیید قرار گرفت و پایایی پرسشنامه با اجرای آزمایشی بر روی ۳۰ نفر از دبیران و ۳۰ نفر از دانش آموزان با ضریب آلفای کرونباخ ۰.۸۶٪ برای دانش آموزان و ۰.۷۸٪ برای دبیران به دست آمد. جهت تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و آمار استنباطی استفاده شد. نتایج کلی به دست آمده حاکی از آن بود که از نظر کارشناسان و دبیران تناسب بین عنصر زمان و برنامه درسی "جامعه‌شناسی یک" در حد متوسط بوده، ولی این تناسب از نظر دانش آموزان در حد پایین ارزیابی گردید. با توجه به زمان اختصاص یافته به درس جامعه‌شناسی (۱) تناسب زمان با محتوای فصول ۳ و ۲ از نظر دانش آموزان پایین و از نظر دبیران و متخصصان متوسط ارزیابی گردید. این تناسب در مورد فصل اول در حد بالا و متوسط ارزیابی شد. امکان استفاده از روش تدریس حل مساله پایین و روش پرسش و پاسخ و بحث گروهی متوسط ارزیابی شد. همچنین امکان ارائه بازخورد به دانش آموزان با توجه به زمان اختصاص یافته پس از انجام ارزشیابی در حد پایین بود.

کلید واژه‌ها

عناصر برنامه درسی، زمان اختصاص یافته، محتوا، روش تدریس، ارزشیابی، شرکاء برنامه درسی، جامعه‌شناسی (۱)

مدارس و دانش‌آموزان، اولیاء، معلمان، مدیران و کارکنان آن اسیران زمان هستند. به جای تعیین استانداردهایی جهت یادگیری، از برنامه‌های زمانی جهت برنامه‌ریزی در زمینه‌هایی چون زنگ تفریح، زمان رفت و آمد یا زمان تعطیل شدن مدارس یاد برده می‌شود و کمتر به عنصر زمان جهت تدریس و میزان یادگیری دانش‌آموزان پرداخته می‌شود (McEneaney, 2000). تاثیر زمان در مدارس از دید صاحب نظران آموزشی بسیار چشمگیر است:

- زمان اختصاص یافته به آموزش در طول روز در سراسر کشور با اختلاف بسیار کم (در مدارس دولتی و غیر دولتی و تفاوت‌های اقلیمی و جغرافیایی)، در تمامی مدارس کشور مشابه است. به عنوان مثال اغلب مدارس بین ساعات (۱۵:۱۳ - ۷:۳۰) و پاره‌ای دیگر بین ساعات (۱۳-۸) دایر هستند.^۲

- با اختلاف بسیار کم، طول سال تحصیلی (دوره آموزش مدرسه‌ای) با توجه به تفاوت شرایط اقلیمی استان‌های مختلف، در فاصله زمانی اول شهریور ماه تا ۱۵ تیر ماه تعیین می‌شود (به ۹ ماه و حدود ۲۰۰ تا ۲۲۰ روز).^۳

- در شرایط فعلی، برنامه هفتگی واحدهای آموزشی در قالب ۵ روز هفته و روزانه بین ۶ تا ۸ ساعت تنظیم شده است.^۴ بدون توجه به سادگی و پیچیدگی محتوا و ضریب دشواری مفاهیم، ساعات آموزشی اختصاص یافته به هر یک از موضوعات درسی بر اساس تعداد واحدهای آن درس طراحی گردیده است. علاوه بر آن در طراحی این زمان به تفاوت سطح علمی فراگیران، کمتر توجه شده است.

با وجود دل‌مشغولی‌هایی که در مورد زمان وجود دارد، توجه کمی نسبت به چگونگی استفاده از آن مبذول می‌شود، این در حالی است که گرچه ساختار آموزشی تغییر نکرده است، ولی محتوای موضوعات درسی تغییرات قابل توجهی داشته است. به خصوص، در حوزه‌ی علوم اجتماعی که در دوره‌های گذشته بیشتر به بررسی جوامع باستانی و تمدن‌های گذشته می‌پرداخت، ولی امروزه، این مباحث جای خود را به بحث‌هایی در مورد قومیت‌های مختلف، انسان‌شناسی و محیط طبیعی و زیستی داده است. به عبارت دیگر، گرچه در حوزه‌های علوم اجتماعی بحث‌های فراوانی صورت می‌گیرد، ولی هنوز زمان اختصاص یافته به این مباحث، همان زمانی است که طبق استانداردها و ساختار از پیش تعیین شده ثابت مانده است (Frank et al., 2000).

با توجه به تغییرات ایجاد شده در محتوا و بالا رفتن حجم محتوا، زمان بندی رسمی آموزشی طبق تحقیقات انجام شده در این زمینه (گزارش ملی کمیسیون آموزش آمریکا ۲۰۰۰-۱۹۸۰) جواب‌گوی این تغییرات و حجم فزاینده‌ی محتوا و مباحث مطرح شده نمی‌باشد. بنابراین، جهت نیل به اهداف تعیین شده در برنامه درسی علوم اجتماعی و ایجاد زمینه برای یادگیری بهتر، پرداختن به چنین موضوعاتی ضروری به نظر می‌رسد.

طبق تحقیقات انجام گرفته (Mansury, 2004) در طی سالیان گذشته انتقادات زیادی به کتاب جامعه‌شناسی (۱) وارد است. از جمله طولانی بودن مطالب کتاب، عدم تنظیم مطالب کتاب از ساده به پیچیده، اصطلاحات و عبارات دور از ذهن و به خصوص متناسب نبودن حجم کتاب با زمان ارائه شده. انتظار می‌رود زمان اختصاص یافته نه فقط جهت ارائه محتوا مورد استفاده قرار گیرد، بلکه فرصتی برای استفاده از روش‌های فعال تدریس و ارائه بازخورد از طریق ارزشیابی تکوینی برای دانش‌آموزان و دبیران فراهم آورد. با توجه به این موارد، وضعیت موجود چگونه است؟

طبق تحقیقات وزیری کاشانی (Vaziry kashani, 1986)، یادگیری علوم اجتماعی و فهم دانش‌آموزان از مطالب کتب حاضر با روش تدریس معلم و زمان آموزش ارتباط مستقیم دارد. فرنودیان (Farnodian, 2008) طی پژوهشی به بررسی عوامل موثر در تعیین محتوا و حجم کتب تعلیمات اجتماعی دوره‌ی دبیرستان پرداخت. آنچه از اظهارات دانش‌آموزان و معلمان به دست آمد این بود که مطالب کتاب مشکل بوده و از فهم اکثر دانش‌آموزان خارج است. حجم کتاب زیاد و متناسب با ساعات پیش‌بینی شده در برنامه نیست. همچنین دانش‌آموزان علاقه زیادی به مطالب مورد بحث در کتاب ندارند (Farnia & purraza, 2010). کاظم پور (Kazempur, 2010) در پژوهشی جهت ارزشیابی برنامه درسی اجرا شده در درس مطالعات اجتماعی، اثر بخشی این برنامه درسی را سنجید و دریافت که فعالیت‌های اجتماعی خارج از کلاس و زمان

1 - Prisoners of time

۲ و ۳ و ۴ و کلیه اعداد و ارقام مطابق با مجموعه مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش می‌باشد.

* در تاریخ ۱۳۹۰/۵/۲۵ ماده‌ی زیر به آیین‌نامه ساماندهی زمان آموزش در دوره‌ی متوسطه و راهنمایی تحصیلی اضافه شد:

ماده ۶ - برنامه‌های آموزشی و تربیتی رسمی مدارس راهنمایی تحصیلی و متوسطه با رعایت جداول مواد و ساعات تدریس هفتگی مصوب شورای عالی آموزش و پرورش منحصراً در ۵ روز اول هفته ساماندهی و اجرا می‌شود.

اختصاص یافته به درس مورد نظر در سطح نابهینه ای قرار دارند. همچنین نهاوندی (Nahavandi, 1998) در یکی از فرضیه های خود مبنی بر حجم مطالب کتاب و زمان اختصاص یافته به این نتیجه رسید که تنها ۱۳ درصد از معلمان تناسب بین برنامه درسی جامعه شناسی و زمان آموزشی را در حد کم ارزیابی کردند و بقیه این تناسب را در حد خوب و متوسط ارزیابی کرده اند. صادقی جولا و نارمنجی (Jola & Narmanji, 2002)، تناسب بین حجم کتاب جامعه شناسی (۱) و ساعات تدریس آن را در حد متوسط به بالا ارزیابی کرده اند. کیامنش (Kiamanesh, 1995) در پژوهشی با عنوان «ارزشیابی جامع از نظام جدید آموزش متوسطه در سال های تحصیلی ۷۳-۷۱» یکی از نتایج تحقیق خود را ناهماهنگی حجم کتاب های درسی با ساعت های پیش بینی شده برای تدریس آن ها اعلام کرد.

از آنجا که درس جامعه شناسی به عنوان یکی از دروس اصلی در زمینه ی بررسی انسان و جامعه ی انسانی است، ضرورت خاصی در رشته علوم انسانی به خصوص در دوره ی متوسطه پیدا می کند. با توجه به دشواری محتوای کتاب جامعه شناسی و نظر برخی از متخصصان و دبیران در مورد کافی نبودن زمان آموزشی جهت تدریس کتاب و اهمیت عنصر زمان در یادگیری، پژوهش حاضر درصدد بررسی این مهم می باشد.

لازم به ذکر است که مقصود از عنصر زمان، مدت زمان اختصاص داده شده به درس جامعه شناسی از سوی شورای عالی آموزش و پرورش، یعنی ۲ ساعت آموزشی در ۱ هفته جهت تدریس به دانش آموزان می باشد. هر ساعت آموزشی طبق مصوبه شورای عالی آموزش و پرورش ۶۰ دقیقه می باشد.

به گفته کارشناسان، یکی از دروسی که با مشکل زمان آموزش روبه رو است کتاب جامعه شناسی (۱) می باشد. این پژوهش در صدد است که جوانب این مساله را از نظر شرکای برنامه درسی (دبیران، دانش آموزان و متخصصان) بررسی نموده و راهکارهای مناسب ارایه دهد.

یک برنامه ی درسی از عناصر متفاوتی تشکیل می شود که شامل هدف، محتوا، روشهای تدریس، ارزشیابی، فعالیت های یادگیری، مواد و منابع آموزشی، فضا، زمان و گروه بندی فراگیران است. از آنجایی که در پژوهش حاضر به چهار عنصر محتوا، روش تدریس، ارزشیابی و زمان پرداخته شده است، در ادامه به شرح این عناصر پرداخته می شود:

محتوا

محتوا عبارت است از مفاهیم، مهارتها و گرایشهایی که از سوی برنامه ریزان انتخاب و سازماندهی می شود و در عین حال، محتوا، آثار حاصل از فعالیت یاددهی - یادگیری معلم و شاگردان را نیز در بر می گیرد (Maleki, 2005: 64).

در برنامه ریزی درسی یک جنبه ی اساسی و مهم، زمانبندی دروس و تنظیم محتوا بر اساس زمان است. سازماندهی و تنظیم محتوا باید با سرعت و زمان اختصاص یافته در سیستم آموزشی هماهنگ شود. تعداد مفاهیم، اصول، تعمیم ها و نظریه ها در یک واحد یادگیری یا یک کتاب درسی بر زمانی که صرف خواندن و فهمیدن آن می شود تأثیر دارند. عواملی نظیر تراکم در ارائه نظریات، نسبت اطلاعات مهم به اطلاعات بی اهمیت در واحد متن و چگونگی تبیین آن در کاهش یا افزایش زمان مورد نیاز برای خواندن تأثیر دارند (Sadeghian, 2004).

به استناد منابع و مباحث موجود، در ایران شیوه ی انتخاب و سازماندهی محتوا بر اساس رویکرد موضوعات درسی (رشته های مجزا) بوده (Ahmadi, 2012)، محتوای برنامه ی درسی جامعه شناسی از «علوم اجتماعی» گرفته شده و بر آنچه که مراجع تصمیم گیری برای یادگیری دانش آموزان مهم می دانند، مبتنی است. از ویژگی آموزش علوم اجتماعی در ایران وجود مدیریت و برنامه ریزی متمرکز سیستم آموزشی، مشارکت دادن کلیه ی ذی نفعان در تهیه، اجرا و ارزیابی برنامه ها، مفاهیم ثقیل آموزشی، تدریس خطی مطالب، کمبود زمان تدریس، استفاده ی ناکافی از روش ها و شیوه های فعال و مشارکت جویانه و تکیه بر کتاب و جزوه محوری و عدم توجه به موضوع ها و مفاهیم مرتبط با تربیت شهروندی و جهانی در کتاب های درسی و برنامه های آموزشی مدارس است (Govazi, 2009).

روش تدریس: در انتخاب روش های تدریس توجه به اصل هماهنگی میان روش تدریس و اهداف و محتوا و ارزشیابی و زمان تدریس ضروری است (راهنمای برنامه ی درسی علوم اجتماعی دوره ی متوسطه، ۱۳۸۸). در راهنمای برنامه درسی علوم اجتماعی، به روش های تدریس سخنرانی، حل مساله، پرسش و پاسخ و بارش مغزی اشاره شده است. به

نظر می‌رسد از این روشهای تدریس به عنوان روشهایی که در آموزش درس علوم اجتماعی می‌توان استفاده نمود یاد می‌شود. با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان نتیجه گرفت که بهترین روش تدریس برای درس جامعه‌شناسی وجود ندارد، بلکه با توجه به صلاحدید دبیر و محتوای دروس می‌توان در کنار روش‌های فعال تدریس همانند گروه‌های کوچک و یادگیری به صورت مشارکتی و حل مسأله، از روش‌های پرسش و پاسخ و روش توضیحی (سخنرانی) نیز استفاده کرد. در پرسشنامه‌ی پژوهش حاضر، از میان روش‌های تدریس، روش تدریس بحث گروهی، پرسش و پاسخ، سخنرانی و حل مسأله که در راهنمای برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی آمده است به دلیل این که دارای کاربرد بیشتر بوده و برای دبیران شناخته شده تر است مورد توجه قرار گرفته است.

ارزشیابی پیشرفت تحصیلی: ارزشیابی پیشرفت تحصیلی، داوری و قضاوت در مورد آموخته‌ها و تغییر رفتار دانش‌آموزان در جهت نیل به اهداف آموزشی است که از طریق سنجش و اندازه‌گیری حاصل می‌شود. ارزشیابی از آموخته‌های دانش‌آموز در هر درس به سه صورت ورودی، تکوینی و پایانی و با اهداف مشخص شده صورت می‌گیرد (Shorakaei, 2012: 203).

راهنمای برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی دوره‌ی متوسطه نیز ارزشیابی پیشرفت تحصیلی را به دو نوع ارزشیابی مستمر و ارزشیابی پایانی، به شرح زیر می‌داند:

ارزشیابی مستمر: نوعی از ارزشیابی است که میزان پیشرفت یادگیرنده را در هر مرحله از تدریس معین می‌کند و شامل ارزشیابی از فعالیت‌های یادگیری دانش‌آموز به طور انفرادی یا گروهی در طول ترم یا نیم سال تحصیلی است. منظور از ارزشیابی در پژوهش حاضر این نوع از ارزشیابی است.

ارزشیابی پایانی: در این ارزشیابی مجموعه‌ی آموخته‌های دانش‌آموزان در طول یک دوره‌ی آموزشی تعیین می‌گردد و هدف آن نمره دادن به دانش‌آموزان برای ارتقا از یک مرحله‌ی آموزشی به مرحله‌ی دیگر است (راهنمای برنامه‌ی درسی علوم اجتماعی، ۱۳۸۸: ۵۴-۵۳).

تقسیم بندی زمان در برنامه درسی

آندرسون (Anderson, 1983)، بلوم (Bloom, 1976) و فیشر و همکاران (Fisher et.al, 1980) برداشت‌هایی در مورد تقسیم‌بندی زمان داشته‌اند که به صورت زیر آورده شده است: الف) زمان اختصاص داده شده^۱ که شامل موارد زیر است: زمان مدرسه، زمان کلاس، زمان لازم برای هر موضوع درسی. ب) زمان درگیر شدن در فعالیت^۲ (زمان یادگیری آکادمیک^۳ (ALT) در ادامه به تعاریف انواع زمان و ارتباط آن‌ها با یکدیگر اشاره می‌شود:

زمان اختصاص یافته

برلینر (Berliner, ۱۹۹۰)، زمان اختصاص یافته را مدت زمان موجود در تقویم آموزشی جهت تدریس یک موضوع درسی می‌داند. مایرز و مایرز (Mayers & Mayers, ۱۹۹۱) نیز معتقدند زمان اختصاص یافته، مقدار زمان اختصاص داده شده به دانش‌آموزان است تا بتوانند وظایف تحصیلی خود را با حداکثر بازدهی انجام دهند. زمان اختصاص یافته به صورت‌های زیر می‌باشد:

الف) زمان مدرسه: زمان مدرسه، مقدار زمانی است که مدرسه برای آموزش صرف می‌کند. این زمان معمولاً به صورت سالیانه یا نیم سالانه (ترم)، هفتگی و روزانه تعیین و اعلام می‌گردد و در بردارنده‌ی زمان رسمی مدرسه می‌باشد و پوشش مناسبی برای زمانی که دانش‌آموز در مدرسه به سر می‌برد محسوب می‌شود. طبق تحقیقات نصر (Nasr, ۲۰۰۶)، ایران بعد از ژاپن و آلمان بیشترین روزهای تحصیلی در طول سال را دارا می‌باشد و با هلند یکسان است. اما، تعداد روزهای تعطیلات ملی - مذهبی در ایران تقریباً سه یا دو برابر کشورهای دیگر است. از مهر ۱۳۹۰ تعداد روزهای سال تحصیلی در ایران از ۶ روز به ۵ روز کاهش یافته است. لذا، روزهای سال تحصیلی از ابتدای مهر تا پایان خرداد ۱۹۰ روز و تعطیلات

1 - Allocated time

2 -time - on - task engaged time

3 - Academic Learning Time

رسمی (ملی، مذهبی) ۲۶ روز می باشد^۱.

ب) زمان کلاس درس: مدت زمانی که بدون وقفه در کلاس و یا مکان های مشابه آن صرف می شود و تابع مقررات خاص است، زمان کلاس درس است.

ج) زمان موضوع درسی: مدت زمانی است که صرف یک موضوع یا ماده ی درسی می شود. این زمان نشان می دهد که یک موضوع تا چه میزان در نظام آموزشی حائز اهمیت است و ممکن است به صورت سالیانه، هفتگی و یا روزانه اعلام شود (Musavipur, 2007).

بر اساس پیش نویس سند برنامه درسی ملی، تعداد روزهای سال تحصیلی از ۱۸۰ تا ۲۰۰ روز در سال متغیر است. در کشور ما با احتساب ایام امتحانات، روزهای سال تحصیلی ۲۱۰ روز است (Nasr, 2006). طبق پیش نویس سند ملی برنامه ی درسی، طول زمان آموزش های مدرسه ای برای ابتدایی و دوره ی اول متوسطه ۲۰۰ روز در ۴۰ هفته و برای دوره ی دوم متوسطه (سال دوم، سوم و چهارم دبیرستان) ۲۲۰ روز در ۴۰ هفته خواهد بود. (زمان مدرسه) دوره ی آموزش مدرسه ای با توجه به تفاوت شرایط اقلیمی استان های مختلف، در فاصله ی زمانی اول شهریور ماه (زمان شروع) تا ۱۵ تیر ماه (زمان پایان) تعیین می شود. مدارس می توانند با توجه به توانایی مخاطب، دشواری درس، شرایط اقلیمی و ساعات تحصیلی مصوب زمان جلسات درسی را از ۳۰ دقیقه تا حد اکثر ۹۰ دقیقه برگزار نمایند. (پیش نویس برنامه درسی ملی، ۱۳۸۹: ۶۴).

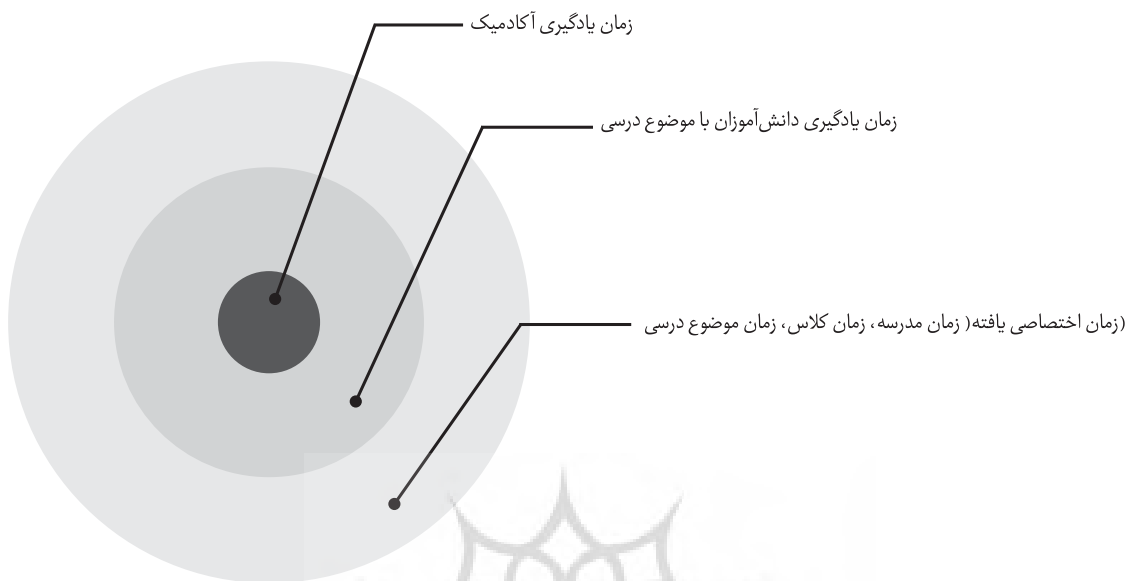
زمان درگیر شدن با موضوع درسی: صرفاً مدت زمان آموزشی صرف شده نیست که سطوح یادگیری دانش آموزان را تعیین می کند، بلکه چگونگی و سطح درگیری دانش آموز در طول آن زمان از جهت وظایف مرتبط با انتظارات برنامه ی درسی و ارزشیابی نیز در این امر مؤثر است. زمان درگیری دانش آموز، زمانی است که دانش آموز به موضوع درسی مورد نظر توجه می کند. گرچه میزان درگیری تحت تأثیر این امر قرار دارد که تدریس با توجه به وجود تفاوت های فردی دانش آموزان به خوبی سازمان یافته باشد. فیشر و همکاران (Fisher et al., 1980) اعتقاد دارند که زمان درگیری دانش آموزان بین زمان یادگیری آکادمیک و زمان اختصاص یافته قرار دارد. نرخ درگیری می تواند به طور گسترده ای از ۵۰ درصد برای درگیری در سطح پائین تا ۹۰ درصد برای سطوح بالا متغیر باشد. موسی پور، زمان درگیر شدن با موضوع درسی را این گونه تعریف می کند. به زمانی گفته می شود که شاگرد در فرآیند یاددهی - یادگیری به طور فعال حضور دارد. این زمان به تعاملات معلم و شاگرد مربوط است و متأثر از تعداد شاگردان، شرایط کلاس، موضوع درس و توانایی معلم و انگیزه ی دانش آموز می باشد (Musavipur, 2007).

زمان یادگیری آکادمیک: یادگیری آکادمیک، مدت زمانی است که دانش آموزان مشغول به کار بر روی وظایف سنگین که در سطوح قابل توجهی از دشواری قرار دارند می شوند (Berlinz, 1990). بیل متزکر (Bill Matzker, 2003) نیز تعریفی کامل مشابه با تعریف برلینر را از یادگیری آکادمیک ارائه می دهد و این زمان را در پایین ترین قسمت هرم یادگیری یعنی جایی که منجر به یادگیری واقعی می شود قرار می دهد. زمان یادگیری آکادمیک به دستاوردهای دانش آموزان مربوط است: زمانی که بیشترین زمان آموزشی جهت یادگیری در اختیار است. زمانی که آموزش به خوبی سازمان یافته باشد و دانش آموزان را درگیر کند و هنگامی که زمان کلاسی جهت رسیدن به محتوای مهم آموزشی به خوبی تنظیم شده باشد. در این صورت است که می توان از دانش آموز انتظار داشت که به خوبی یاد بگیرد (Arenson et al., 2002). در صورتی که از زمان به گونه ای مؤثر استفاده شود، افزودن به میزان زمان اختصاص یافته بی معنا خواهد بود و ممکن است تنها تغییری بسیار کوچک در یادگیری ایجاد شود. زمان یادگیری آکادمیک کسری از میزان زمان اختصاص یافته به هر موضوع درسی است. این امر مهمترین عامل مرتبط با یادگیری است. ممکن نیست تنها با دوبرابر کردن زمان اختصاص یافته، زمان یادگیری آکادمیک را نیز افزایش داد. در عوض افزایش اندکی به میزان زمان اختصاص یافته، در صورت به کارگیری صحیح از آن، می تواند منجر به سطح بالاتری از یادگیری آکادمیک شود.

با در نظر گرفتن انواع گوناگون تقسیم بندی های صاحب نظران داخلی و خارجی و همپوشی بعضی تقسیم بندی های ارائه شده و با توجه به موضوع پژوهش حاضر که بررسی عنصر زمان اختصاص یافته است، جمع بندی زیر ارائه می شود: زمان اختصاص یافته ی آموزشی وسیع ترین نوع زمان است که انواع زمان مدرسه، زمان کلاس درس و زمان موضوع درسی را در بر می گیرد و می تواند مترادف با زمان آموزشی باشد. چنانچه در زمان ذکر شده در کلاس، دانش آموزان در

۱ - البته زمان هایی که مدارس تعطیل می شوند و قابل پیش بینی نمی باشند و تعداد آن ها هم کم نیست را نیز باید به این زمان ها اضافه نمود.

فرآیند تدریس و یادگیری فعالانه حضور داشته باشند و با معلم خود تعامل برقرار کنند، زمان درگیری حاصل شده است ولی هنگامی که این درگیری ادامه داشته باشد و دانش آموزان بتوانند علاوه بر درگیری موضوع درسی، بر حل و فهم مسائل و مفاهیمی که در سطح بالایی از دشواری قرار دارند فائق آیند، در این صورت است که یادگیری در بالاترین سطح خود رخ می دهد. کوچکترین دایره در شکل (۱) نمایانگر بهترین نوع استفاده از زمان آموزشی است که به زمان آکادمیک مرسوم است.



شکل ۱: نوع استفاده از زمان آموزشی

مسأله‌ی زمان اختصاص یافته در یادگیری عمیق^۱: زمانی که محتوای بسیار زیادی برای پوشش دادن و تدریس وجود داشته باشد، پاسخ طبیعی معلمان در مواجهه شدن با این قضیه این است که برای هر عنوان درسی، زمان کمتری را در برنامه ریزی درسی صرف کند. اما زمانی که اهداف شامل یادگیری عمیق محتوای پیچیده و دشوار می شود، زمان اختصاص یافته کمتر برابر با زمان آکادمیک کمتر می شود.

در یک مطالعه موردی مشخص شد که زمانی که از دانش آموزان انتظار می رود مقادیر زیادی مواد آموزشی را در مدت زمان فشرده فراگیرند، چه پیش خواهد آمد. در این تحقیق، ۳۰۰۰ دانش آموز پایه‌ی هشتم تحت تعلیم یک معلم در درس علوم اجتماعی قرار گرفتند. در طی یک دوره آموزش ۱۲ هفته‌ای (زمان اختصاص یافته) بیش از ۷۰٪ از دانش آموزان بر مفاهیم اصلی مسلط بودند و هم در آزمون تستی و هم تشریحی تسلط خود را به موضوع نشان دادند. در حالی که وقتی زمان اختصاص یافته به ۶ و ۳ هفته کاهش یافت، هرچند دانش آموزان کماکان به سوالات تستی پاسخ می دادند، اما تسلط آن‌ها به سوالات تشریحی به کمتر از نصف تقلیل یافته بود. این نتایج نشان می دهد که کاهش در زمان تدریس ممکن است منجر به این شود که محتوا تحت پوشش^۲ درآید، اما یادگیری عمیق حاصل نمی شود. گرچه اختصاص زمان بیشتر، تنها قسمتی از راه حل است و استفاده‌ی کارآمد از آن تعیین کننده‌ی راه حل است (Kelark, Lin, 2003).

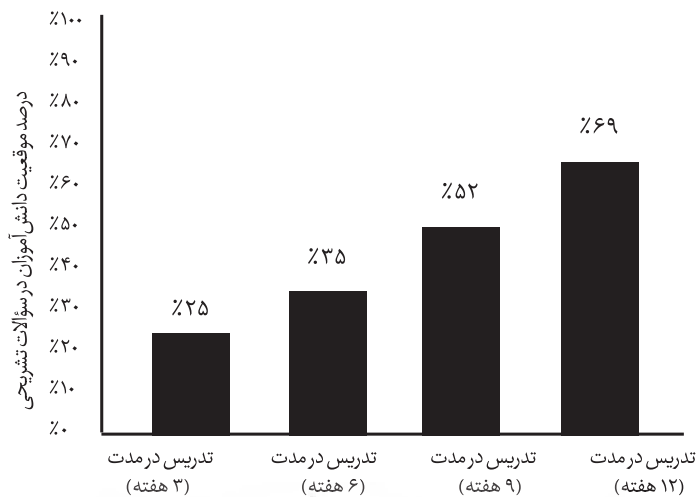
پرسش‌های پژوهش

پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر می باشد:

سوال اصلی: آیا از نظر افراد نمونه (کارشناسان، دبیران و دانش‌آموزان) زمان اختصاص یافته به برنامه درسی جامعه شناسی (۱) مناسب است؟
سوالات فرعی:

1 - Deep learning
2 - Covered

- ۱- آیا زمان اختصاص یافته در برنامه‌ی درسی جامعه‌شناسی (۱) با محتوا تناسب دارد؟
- ۲- آیا زمان اختصاص یافته در برنامه‌ی درسی جامعه‌شناسی (۱) با روش تدریس (پرسش و پاسخ، حل مساله، بحث گروهی، سخنرانی) تناسب دارد؟
- ۳- آیا عنصر زمان اختصاص یافته در برنامه‌ی درسی جامعه‌شناسی (۱) با ارزشیابی (مستمر) تناسب دارد؟



نمودار ۱: تأثیر زمان اختصاص یافته بر میزان درک مفهومی دانش آموزان (کلارک و لین، ۲۰۰۳)

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی - پیمایشی است. جامعه آماری، کلیه دبیران زن درس جامعه‌شناسی (۶۵ نفر) و دانش آموزان دختر دوره متوسطه‌ی رشته علوم انسانی (۳۲۸۶ نفر) شهر تهران و متخصصان و برنامه‌ریزان درسی است. از طریق روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای سهمیه‌ای ۵۶ نفر از دبیران و ۳۴۶ نفر از دانش آموزان با استفاده از جدول مورگان و به صورت تصادفی از ۵ منطقه در شهر تهران انتخاب شدند. همچنین، تعداد ۱۵ نفر از متخصصان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی به عنوان نمونه در دسترس حاضر به همکاری با پژوهشگر شدند.

جهت جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های مربوط به مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. همچنین، برای نظر سنجی دبیران، کارشناسان و مؤلفین و دانش آموزان از پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شده است. پرسشنامه از ۳ قسمت تشکیل شده است. قسمت اول مربوط به مشخصات جمعیت شناختی افراد نمونه (دبیران و کارشناسان)، قسمت دوم مربوط به تناسب زمان اختصاص یافته با محتوا، روش تدریس و ارزشیابی و قسمت سوم، چهار سؤال باز پاسخ، به عنوان سایر اطلاعات است که در بخش نتیجه‌گیری از آن استفاده شده است. جهت تحلیل داده‌ها از روش آمار توصیفی و استنباطی (تک نمونه‌ای و تحلیل واریانس) به وسیله نرم افزار spss استفاده شده است. به منظور اطمینان از روایی پرسشنامه، با اساتید راهنما و مشاور مشورت شد و نظر آن‌ها در تهیه و اصلاح پرسشنامه اعمال گردید و به تایید نهایی ایشان رسید. همچنین جهت اطمینان از پایایی، قبل از اجرای نهایی پرسشنامه برای اطمینان حاصل نمودن از قابلیت اجرایی آن به «اجرای آزمایشی» پرسشنامه مبادرت گردید و از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از دانش آموزان و ۳۰ نفر از دبیران اجرا گشت. همچنین، ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه، برای دانش آموزان ۰.۸۶٪ و دبیران ۰.۷۸٪ محاسبه گردید. با توجه به اینکه آلفا در فاصله (۰-۱) می‌باشد مقدار به دست آمده از لحاظ پایایی در سطح بالا است.

یافته‌های پژوهش

۷۳ درصد از کارشناسان مرد و ۲۶/۷ درصد از کارشناسان زن بوده‌اند. بیشترین درصد از کارشناسان در سنین بین ۴۶ تا ۵۰ سال قرار داشته‌اند و بیشترین تعداد کارشناسان دارای سابقه‌ی کار ۱۱ تا ۲۰ سال بودند. همچنین، کارشناسان در رشته

جدول (۳) نتایج آزمون ادر مورد گویه های سوال دوم فرعی پژوهش

Testvalu=3						انحراف استاندارد		میلگین		تعداد		شماره گویه ها
سطح معناداری		درجه آزادی		t		کارشناسان	دبیران	کارشناسان	دبیران	کارشناسان	دبیران	
کارشناسان	دبیران	کارشناسان	دبیران	کارشناسان	دبیران							
۰,۰۰۷	۰,۰۰۰	۱۴	۵۵	-۳,۱۶۲	-۶,۸۰۶	۰,۸۱۶۵۰	۰,۹۴۲۵۰	۳,۳۳۳۳	۲,۱۴۲۹	۱۵	۵۶	۵
۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۱۴	۵۵	۶,۰۸۹	۱۰,۰۴۹	۰,۵۹۳۶۲	۰,۵۷۱۷۹	۳,۹۳۳۳	۳,۷۶۷۹	۱۵	۵۶	۶
۰,۳۸۴	۰,۰۰۱	۱۴	۵۵	-۰,۸۹۹	-۳,۴۳۶	۰,۸۶۱۸۹	۱,۱۲۸۰۱	۲,۸۰۰۰	۲,۴۸۲۱	۱۵	۵۶	۷
۰,۵۴۶	۰,۳۷۴	۱۴	۵۵	۰,۶۱۹	۰,۸۹۶	۰,۸۳۳۸۱	۰,۷۴۵۳۳	۳,۱۳۳۳	۳,۰۸۹۳	۱۵	۵۶	۸
۰,۶۲۸	۰,۱۲۹	۱۴	۵۵	۰,۴۹۶	-۱,۵۴۱	۰,۴۴۵۲۱	۰,۶۲۸۸۴	۳,۰۵۰۰	۲,۸۷۰۵	۱۵	۵۶	نمره کل روش تدریس
۵- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان استفاده از روش تدریس حل مسئله وجود دارد؟												گویه ها
۶- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان استفاده از روش تدریس سخنرانی وجود دارد؟												
۷- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان استفاده از روش تدریس بحث گروهی وجود دارد؟												
۸- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان استفاده از روش تدریس پرسش و پاسخ وجود دارد؟												

طبق نتایج جدول (۲)، پرسش های ۱ تا ۴ به این سوال پژوهشی اختصاص یافته بود که از نظر کارشناسان این تناسب در سوالات ۱، ۳ و ۴ در حد متوسط و در مورد سوال ۲ در حد بالا ارزیابی گردیده است. دبیران نیز این مقدار زمان را برای محتوای کتاب در حد متوسط و مناسب ارزیابی کردند. اما دانش آموزان در مورد فصول ۲ و ۳ زمان آموزشی را مناسب ارزیابی نکردند و در بقیه سوالات این تناسب را در حد متوسط دانستند.

پرسش های شماره ۵، ۶، ۷ و ۸ پرسشنامه دبیران و کارشناسان مربوط به این سوال پژوهشی است. طبق نتایج جدول از نظر دبیران و کارشناسان امکان استفاده از روش تدریس حل مسئله در حد پایین، امکان استفاده از روش سخنرانی در حد بالا و امکان استفاده از روش پرسش و پاسخ در حد متوسط، با توجه به زمان اختصاص یافته می باشد. با توجه به تجزیه و تحلیل این سوال پژوهشی، کارشناسان نسبت به دبیران و دانش آموزان نظر مساعدتری در مورد تناسب عنصر زمان با ارزشیابی داشته اند.

پس از بررسی سوال اصلی و سوالات فرعی پژوهش، در ادامه پژوهشگر نظر دبیران و کارشناسان را در مورد زمان مناسب برای تدریس و انجام فعالیت های هر یک از مباحث جویا شد که نتایج زیر حاصل شد:

فصل اول (علوم اجتماعی):

از نظر کارشناسان ۹۰ دقیقه زمان مناسبی برای هر یک از دروس این فصل می باشد.

از نظر دبیران، دروس کنش انسانی و کنش اجتماعی به ۶۰ دقیقه زمان جهت تدریس نیاز دارند و برای سایر دروس این فصل ۹۰ دقیقه و بیشتر زمان مناسبی است.

فصل دوم (جهان اجتماعی):

کارشناسان برای این فصل نیز زمان ۹۰ دقیقه را پیشنهاد کردند.

از نظر دبیران هم به جز درس جهان اجتماعی که ۶۰ دقیقه زمان برای آن پیشنهاد شد، ۹۰ دقیقه برای سایر دروس کافی است.

مباحث فصل دوم (شناخت اجتماعی)

کارشناسان زمان ۹۰ دقیقه و بیشتر را برای این فصل و دروس مربوط به آن زمان مناسبی دانسته اند.

اما دبیران زمان مناسب برای تدریس دروس شناخت اجتماعی عقلی و شناخت اجتماعی شهودی ۹۰ دقیقه و بقیه موارد را ۶۰ دقیقه پیشنهاد کردند.

یافته های جانبی پژوهش

بین نظرات افراد نمونه در مورد تناسب عنصر زمان با برنامه درسی جامعه شناسی (۱) تفاوت معناداری وجود ندارد. بین نظرات کارشناسان در مورد تناسب عنصر زمان با برنامه درسی جامعه شناسی (۱) به تفکیک سابقه ی کار، سابقه ی کار در

جدول (۴) نتایج آزمون ادر مورد گویه های مربوط به سوال سوم فرعی پژوهش

Testvalu=3						انحراف استاندارد			میانگین			تعداد			شماره گویه ها			
سطح معناداری			درجه آزادی			T			دانش آموزان	کارشناسان	دبیران	دانش آموزان	کارشناسان	دبیران				
دانش آموزان	کارشناسان	دبیران	دانش آموزان	کارشناسان	دبیران	دانش آموزان	کارشناسان	دبیران										
۰,۰۰۰	۰,۲۶۵	۰,۰۰۰	۳۴۵	۱۴	۵۵	-۴,۴۱۲	-۱,۱۶۰	۴,۵۲۸	۱,۰۳۵۷۶	۱,۱۱۲۷۰	۰,۶۱۹۷۵	۲,۷۵۴۳	۲,۶۶۶۷	۳,۲۳۲۱	۳۴۶	۱۵	۵۶	۹
۰,۹۱۴	۰,۲۳۸	۰,۰۰۰	۳۴۵	۱۴	۵۵	۰,۱۰۸	۱,۲۳۴	۳,۹۶۸	۰,۹۹۸۵۳	۱,۰۴۶۵۴	۰,۶۰۶۲۴	۳,۰۰۵۸	۳,۳۳۳۳	۳,۳۷۵۰	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۰
۰,۰۷۳	۰,۰۲۹	۰,۱۷۲	۳۴۵	۱۴	۵۵	۱,۷۹۹	۲,۴۳۲	۱,۳۸۳	۱,۰۴۵۹۹	۰,۷۴۳۲۲	۰,۷۷۲۹۲	۳,۱۰۱۲	۳,۴۶۶۷	۳,۳۲۱۴	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۱
۰,۰۴۱	۱,۰۰۰	۰,۰۰۰	۳۴۵	۱۴	۵۵	-۲,۰۵۲	۰,۰۰۰	۳,۹۶۸	۱,۱۲۶۳۱	۰,۹۲۵۸۲	۰,۶۰۶۲۴	۲,۸۷۵۷	۳,۰۰۰۰	۳,۱۴۲۹	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۲
۰,۲۷۰	۰,۱۱۱	۰,۰۰۹	۳۴۵	۱۴	۵۵	۱,۱۰۶	۱,۷۰۲	-۲,۶۹۵	۱,۰۲۱۱۲	۰,۹۱۰۲۶	۰,۶۹۴۱۳	۳,۰۶۰۷	۳,۴۰۰۰	۳,۳۲۱۴	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۳
۰,۰۱۶	۰,۳۳۴	۰,۸۱۱	۳۴۵	۱۴	۵۵	-۲,۴۲۸	۱,۰۰۰	-۰,۲۴۰	۱,۰۱۸۵۰	۰,۷۷۴۶۰	۰,۵۵۵۶۷	۲,۸۶۷۱	۳,۲۰۰۰	۲,۷۵۰۰	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۴
۰,۰۰۰	۰,۷۵۱	۰,۰۰۰	۳۴۵	۱۴	۵۵	-۶,۰۱۶	-۰,۳۲۳	-۴,۷۳۱	۱,۱۰۸۰۲	۰,۷۹۸۸۱	۰,۷۶۲۵۶	۲,۶۴۱۶	۲,۹۳۳۳	۲,۹۸۲۱	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۵
۰,۰۰۴	۰,۱۰۴	۰,۱۵۴	۳۴۵	۱۴	۵۵	-۲,۹۰۱	-۱,۷۴۰	۱,۴۴۶	۰,۹۸۱۲۸	۰,۵۹۳۶۲	۰,۴۱۵۹۰	۲,۸۴۶۵	۲,۷۳۳۳	۲,۵۱۷۹	۳۴۶	۱۵	۵۶	۱۶
۰,۰۰۲	۰,۶۲۸	۰,۱۵۴	۳۴۵	۱۴	۵۵	-۳,۰۰۸	۰,۴۹۶	۱,۴۴۶	۰,۶۵۴۵۲	۰,۷۱۵۶۸	۰,۴۱۵۹۰	۲,۸۹۴۱	۳,۰۹۱۷	۳,۰۸۰۴	۳۴۶	۱۵	۵۶	نمره کل ارزشیابی

گویه ها

- ۹- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان ارزشیابی دانش آموزان در هر جلسه نسبت به مفاهیم آموزش داده شده وجود دارد؟
- ۱۰- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان ارزشیابی دانش آموزان در هر ۲ جلسه نسبت به مفاهیم آموزش داده شده وجود دارد؟
- ۱۱- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان ارزشیابی دانش آموزان در هر ماه نسبت به مفاهیم آموزش داده شده وجود دارد؟
- ۱۲- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان ارزشیابی در پایان هر مبحث تدریس شده وجود دارد؟
- ۱۳- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان ارزشیابی در پایان هر فصل تدریس شده وجود دارد؟
- ۱۴- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان امکان ارائه بازخورد و نتایج آزمون در هر ارزشیابی به دانش آموزان وجود دارد؟
- ۱۵- با توجه به زمان اختصاص یافته به چه میزان معلم می تواند به نقاط ضعف و مشکلات دانش آموزان پی ببرد؟
- ۱۶- با توجه به این زمان به چه میزان امکان انجام تمرین های مشخص شده در آخر هر درس (مفاهیم کلیدی، خلاصه کنید و آنچه از این درس اموختید) در کلاس توسط دانش آموزان وجود دارد؟

تدوین کتب درسی، رشته ی تحصیلی و مدرک تحصیلی تفاوت معناداری وجود ندارد. بین نظرات دبیران در مورد تناسب عنصر زمان با برنامه درسی جامعه شناسی (۱) به تفکیک سابقه ی کار، سابقه ی کار در تدریس کتب علوم اجتماعی و نیز رشته ی تحصیلی تفاوت معناداری وجود دارد. افراد با سابقه ی کار ۱۶ تا ۲۵ سال نسبت به افراد ۱ تا ۵ سال و افراد ۵ تا ۱۵ سال در مقایسه با افراد ۶ تا ۱۵ سال نسبت به تناسب عنصر زمان با برنامه درسی جامعه شناسی (۱) موافقت بیشتری دارند. افراد با سابقه ی تدریس مطالعات اجتماعی به مدت ۶ تا ۹ سال و ۱۲ تا ۱۵ سال و ۱۵ سال به بالا نسبت به افراد ۱ تا ۳ سال نظر نا مساعد تری دارند. دبیران با رشته ی تحصیلی علوم اجتماعی نسبت به دبیران با رشته های تاریخ و روانشناسی اعتقاد کمتری نسبت به تناسب عنصر زمان با برنامه درسی جامعه شناسی (۱) دارند.

بحث و نتیجه گیری

با توجه به سوال اصلی پژوهش و نتایج حاصل از این سوال، گرچه تناسب بین عنصر زمان و برنامه درسی جامعه شناسی (۱) از نظر کارشناسان و دبیران در حد متوسط ارزیابی گشته است، اما باید به این موضوع نیز توجه داشت که اکثر کارشناسان و متخصصین، خود در تألیف کتاب سهیم بودند و به همین دلیل نسبت به تناسب محتوای کتاب و زمان تخصیص یافته نظر مساعدی داشتند. شاید تعصب نسبت به نتیجه ی کار خود منجر به این قضاوت شده باشد. دغدغه ی اصلی دبیران محتوای آموزشی کتاب بود و از نظر آن ها مفاهیم گنجانده شده در کتاب متناسب با سطوح شناختی دانش آموزان سال دوم انسانی برنامه ریزی نشده بود و مفاهیمی فلسفی و دینی (مانند عرفان کاذب، شناخت شهودی، جهان توحیدی) که چندان مرتبط با درس جامعه شناسی نبوده و پیچیده و نامفهوم بودند در محتوای کتاب وجود داشت. دبیران اظهار داشتند با وجود کم شدن حجم کتاب، چگالی و وسعت مفاهیم موجود در کتاب درسی بسیار ثقیل بوده و مطالب زیادی را پوشش می داد. این مطالب برای دانش آموزان سال دوم انسانی که اولین سالی است که این کتاب را به عنوان درس تخصصی مطالعه می کنند بسیار سنگین بوده و قابل درک نیست. همین امر به دبیرانی

که متخصص رشته‌ی علوم اجتماعی بودند، اجازه‌ی توضیح بیشتر برخی مفاهیم را نمی‌داد و توضیحات منحصر، به مطالب کتاب ختم می‌شد. اینجاست که مساله قابلیت یادگیری و انعطاف در انتخاب محتوا آن گونه که ملکی (Maleki, 2005) اشاره کرده بود اهمیت خود را جلوه گر می‌سازد. بعضی محتواها خارج از حد تجربیات دانش آموزان انتخاب می‌شوند و یادگیری آن برای آن‌ها دشوار است. همچنین برنامه ریزان درسی باید محتوا را با توجه به زمان تخصیص یافته، منابع قابل دسترس، کارکنان و فضای آموزشی انتخاب کنند (Maleki, 2005: 153). ذکر این نکته نیز قابل توجه است که دبیرانی که در رشته علوم اجتماعی تحصیل کرده بودند، نسبت به دبیران دیگر اعتقاد به کمبود زمان آموزشی داشتند، لذا برای دروسی از قبیل شناخت اجتماعی عقلی و شناخت اجتماعی شهودی اختصاص زمان بیشتر از ۹۰ دقیقه آموزشی را مدنظر داشتند و موافق با افزایش زمان تدریس جامعه شناسی به مدت ۲-۱ ساعت آموزشی در هفته بودند.

از تحقیقات انجام شده همسو با نتایج حاضر می‌توان به تحقیق نهاوندی (Nahavandi, 2008)، نارمنجی (Narmanji, 2002)، صادقی جولای (Sadeghi Jula, 1996) اشاره کرد که در آن‌ها به گونه‌ای به هماهنگی متوسط و مناسب بین حجم و محتوای کتاب و ساعات تدریس اشاره شده است. تحقیق فنودیان (Fanodian, 2008) در مورد اظهارات دبیران و دانش آموزان در ارتباط با تناسب محتوای کتاب درسی تعلیمات اجتماعی و ساعات پیش بینی شده جهت تدریس آن همسو با نتایج پژوهش حاضر نیست.

اما نظر قریب به اتفاق دبیران و کارشناسان در مورد تناسب زمان آموزشی موجود جهت استفاده از روشهای تدریس فعال مانند پرسش و پاسخ، بحث گروهی و حل مساله نا مساعد بود. آن‌ها بر این نظر بودند که به منظور به کارگیری این روش‌ها باید به هر درس ۲ جلسه‌ی آموزشی اختصاص داده شود. لذا بیشتر دبیران از روش سخنرانی برای تدریس استفاده می‌کنند. این روش گرچه مختص کلاس‌های پر جمعیت است و می‌تواند بیش از کتاب‌ها، ذوق و علاقه در دانش آموزان به وجود آورد. ولی در این روش معلم متکلم وحده است و شاگردان منفعل و تفاوت‌های فردی آن‌ها منظور نمی‌گردد (Shaabani, 2007: 160-162). اما زمان آموزشی و نیز محتوای کتاب امکان استفاده از روش‌های فعال تدریس را از دبیران گرفته است. بنابراین، دبیران و کارشناسان زمان آموزش را فقط جهت انتقال مفاهیم درس به دانش آموزان کافی دانسته‌اند که این انتقال مفاهیم، توسط روش سخنرانی صورت می‌گیرد و روشهای فعال چون روش حل مساله و بحث گروهی و پرسش و پاسخ به زمان بیشتری نیاز دارد.

میزان تناسب روش بحث گروهی با عنصر زمان از نظر کارشناسان در حد متوسط و از نظر دبیران در حد پایین ارزیابی گردید. همسو با نظر دبیران در پژوهش حاضر، در مورد روش تدریس بحث گروهی، یار محمدی (Yarmohammadi, 2011) نیز به این نتیجه رسید که معلمان شهر بیجار اعتقاد دارند که زمان کافی برای این روش تدریس در نظر گرفته نمی‌شود و عامل عدم اختصاص زمان را به عنوان یکی از موانع روش تدریس بحث گروهی مطرح کرد. وزیر کاشانی (Vaziri Kashani, 1986) در تحقیقی به این نتیجه دست یافت که بین یادگیری دانش آموزان در دروس اجتماعی با روش تدریس معلم ارتباط مستقیمی وجود دارد و در این ارتباط از زمان آموزشی به عنوان عامل مهم در نحوه‌ی تدریس و یادگیری دانش آموزان یاد کرد. این عدم هماهنگی زمان آموزش و روش تدریس در دروس دیگر هم مصداق دارد. ابیضی (Abizi, 2008) نیز در تحقیق خود به این نتیجه رسید که زمان پیش بینی شده برای درس حسابان با روش آموزش این درس هماهنگی نداشته است.

در مورد ارزشیابی تحصیلی و تناسب آن با زمان آموزش درس جامعه شناسی، طبق نتایج تحقیق حاضر، به دلیل کمبود وقت، امکان ارائه بازخورد وجود ندارد. عدم امکان بازخورد، اهمیت ارزشیابی تکوینی را زیر سوال می‌برد. زیرا هنگامی که زمان کافی جهت تحلیل سوالات آزمونهای کلاسی وجود نداشته باشد، امکان اصلاح اشتباهات و رفع اشکالات درسی فراگیران وجود نخواهد داشت و بدین ترتیب، هدف ارزشیابی مستمر و تکوینی که بهبود شرایط یادگیری و اصلاح خطاهاست محقق نخواهد گشت. بدین ترتیب، دبیران قادر نخواهند بود به نقاط ضعف و مشکلات دانش آموزان پی ببرند و در راستای حل آن برآیند. این گونه به نظر می‌رسد که کارشناسان و دبیران زمان کلاس درس را بیشتر به ارائه دروس و اتمام فصول کتاب اختصاص می‌دهند و کمتر به میزان درک مفهومی دانش آموزان از مطالب ارائه شده و علت یابی مشکلات و نقاط ضعف آن‌ها (بازخورد) در ارتباط با محتوای کتاب هنگام ارزشیابی اهمیت می‌دهند.

از آنجائی که دبیران و دانش آموزان خود این برنامه را تجربه کرده اند و پرسشنامه‌ها پس از امتحانات ترم اول بین

آن‌ها توزیع شده بود، می‌توان نتیجه گرفت با توجه به زمان اختصاص داده شده دبیران نمی‌توانند ارزشیابی مداوم از دانش‌آموزان را در طول سال تحصیلی انجام دهند و در صورت انجام ارزشیابی نمی‌توانند بازخورد لازم را از نتایج این ارزشیابی بگیرند. در نتیجه اشکالات کار خود را متوجه نمی‌شوند و همین‌طور قادر به برطرف کردن اشکالات درسی دانش‌آموزان نیستند.

پژوهشگر موفق به یافتن تحقیقاتی که به ارزشیابی و رابطه‌ی آن با زمان آموزشی در حوزه‌ی درس مطالعات اجتماعی بوده و همسو با نتایج پژوهش حاضر در این زمینه باشد، نشده است.

در ارتباط با اختصاص زمان بیشتر به درس جامعه‌شناسی و نظرات نه‌چندان مساعد دانش‌آموزان در مورد تناسب بین عنصر زمان و درس جامعه‌شناسی، هرچند طبق گزارشات اسمیت (Smith, 1979) و بورگ (Burg, 1980) وقتی دانش‌آموزان مقادیر بزرگ‌تری از زمان تخصیص یافته را تجربه می‌کنند، موفقیت آن‌ها کمی بهتر از آن‌هایی است که مقادیر کمتری را تجربه می‌کنند (Katen, 1989)، اما این امر لزوماً به این معنا نیست که ساعات بیشتر کلاس‌های درسی منجر به کسب نمرات بهتر می‌شود. با استناد به گفته‌های فیشر و همکاران (Fisher, 1980)، موسی پور (Musapur, 2007)، آرنسون (Arnson, 2007)، متزکر (Matzker, 2003) و برلینر (Berliner, 1990)، و طبق نتیجه‌گیری پژوهش حاضر در مورد نوع استفاده از زمان آموزشی (شکل ۲-۳)، در صورتی می‌توان افزایش زمان اختصاص یافته را نشانه‌ای برای پیشرفت تحصیلی دانست که به همان میزان زمان یادگیری آکادمیک و زمان درگیر شدن دانش‌آموزان در موضوع درسی نیز افزایش یابد. در غیر این صورت، افزودن به زمان اختصاص یافته بی‌معنا خواهد بود و شاید تنها برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر مناسب باشد. در نتیجه اختصاص زمان بیشتر، صرفاً قسمتی از راه حل است و استفاده‌ی کارآمد از این زمان تعیین‌کننده‌ی موفقیت است. در اینجاست که نقش مهم دبیران در درگیر کردن دانش‌آموزان با مفاهیم درسی، تنظیم زمان کلاسی جهت رسیدن به محتوای آموزشی و ایجاد جو کلاسی مناسب در استفاده‌ی مناسب از زمان آموزشی بسیار تعیین‌کننده است. بدون در نظر داشتن عوامل قید شده حتی افزودن زمان آموزشی به محتوای ثقیل کتاب و در نظر نداشتن سطح شناختی دانش‌آموزان و انتظار گرفتن نتایج دلخواه، نتیجه‌ای در بر نخواهد داشت. لذا پیشنهادات زیر به مسئولین درس جامعه‌شناسی توصیه می‌شود:

۱. متناسب کردن محتوای کتاب درسی جامعه‌شناسی (۱) با میزان درک و فهم و آموخته‌های قبلی دانش‌آموزان.

۲. برگزاری کلاس‌های ضمن خدمت برای دبیران در رابطه با مدیریت زمان و استفاده موثر از زمان آموزشی موجود.

۳. بازبینی و باز نویسی کتاب با توجه به ملاک‌ها و معیارهای استاندارد علمی و فاصله گرفتن مطالب کتاب از مباحث فلسفی و پرداختن به موضوعاتی از قبیل مکاتب اجتماعی.

۴. جویا شدن نظرات گروه آموزشی دبیران مطالعات اجتماعی در مورد محتوای کتاب درسی جامعه‌شناسی و زمان آموزشی لازم جهت تدریس کتاب قبل از تالیف کتاب درسی جدید.

به دبیران توصیه می‌شود:

- در بعضی از دروس که نیاز به توضیحات مفهومی بیشتری دارند و در آن‌ها مفاهیم کلیدی بیشتری به کار رفته است از تدریس به شیوه‌ی سخنرانی کاسته و زمان بیشتری را به تدریس به شیوه‌ی بحث گروهی اختصاص دهند.

- اختصاص دادن ۲ جلسه‌ی آموزشی یا بیشتر از آن به دروسی که به شیوه‌ی مشارکتی و گروهی به دانش‌آموزان تدریس می‌شود.

- فعال کردن دانش‌آموزان با درگیر کردن آن‌ها در مباحث درسی و شرکت دادن آن‌ها در بحث گروهی (افزایش میزان یادگیری دانش‌آموزان)

منابع

Abyazy, k. (2008). *Check the time on account of the perspective of the curriculum syllabus partners*. Master's thesis, martyr Beheshti University. [In Persian]

- Ahmadi, P. (2012). *Designing and organizing the curriculum content, curriculum integrated interdisciplinary approach*. Tehran: Aiej. [In Persian]
- Aronson, j & et al. (2002). *Making time count*. wasted policy brief. Available at: www.Aera .net.
- Benavot, A, & Amadio, M. (2004). *A Global Study of Intended Instructional Time and Official School Curricula, 1980- 2000* Available at: <http://ns. World bank.org.ru/ecaedu.bg>.
- Berliner, D.C. (1990). How time is spent In elementary classrooms, *Time to learn*, (pp.33-63).
- Clark ,D . & Linn, M.C. (2003). Designing for knowledge integration: the impact of instructional time, *the journal of the learning sciences*, 12(4), pp.457 – 93.
- Cotton, Kathleen. (1989). *Educational time factors*. Available at www.nwrel.org
- Farnia , M. & Ali Rezaie , S. (2010). Qualitative and quantitative studies of sociology books, – secondary content humanities curricula based on a social perspective . *Journal of Education*, 6 (2), 174-153. [In Persian]
- Frank, David John & Suk-ying Wong. (2000). *Embedding National Societies Worldwide Changes In University History Curricula, 1985-1994*.
- Gvazy, A. (2009). Comparative Study analytical approach to the selection and organization of curriculum content in social studies and citizenship education in primary education in Iran and Sweden. *Journal of Educational Innovation* (25) 7, 48-11.
- K. M., E. Ghaffari, Khalil. (2010). Curriculum evaluation conducted, theoretical branches of secondary education , social studies using a three-dimensional model Rvbytayl ." New approach , *Journal of Educational Administration*, (3) 2 , 108-89 . [In Persian]
- Kiamnsh , A. (1999). *A comprehensive evaluation of the new system of secondary education in theoretical branch of Tehran*. Ministry of Education, Department of Secondary Education. [In Persian]
- Maleki , H. (2002). *Lesson planning guide*. Tehran: Message Android. [In Persian]
- Mansouri , M. (2003). *Review of Sociology textbook (1) second year of high school humanities according to the concept in sociology*. Master's thesis, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. [In Persian]
- Mcneaney , Elizabeth & john w . (2000). *The content of the curriculum. An institutional perspective*. " Available at: www.eric.edg.gov
- Metzeker ,B.(2003). *Time and Learning*. Available at: www.eric.Org
- Musapur, N. (2007). *National Education training document, the committee theoretical studies* , Moderator: October Mehr Mohammadi , Mahmoud , Supervisor : Civil , Hassan . [In Persian]
- Myers and Myers, (1990). *An introduction to teaching and school*.
- Nahavandi , A. (1998). *Evaluation Books Social Sciences , Social Science , Sociology (1) and (2) based on a predetermined time, a new system of secondary education from the perspective of teachers and students Susa city* . Master's thesis , Allameh Tabatabai University .
- Nasr , Ahmed, R. , Leach , A. Sadat & Indigo , MR (2006). Education and training school , Iranian calendar comparison with other countries and its problems . – *Journal of Education*, 81, 38-7. [In Persian]
- National Curriculum programs of the Islamic Republic of Iran. (2011). *Fundamental change of plans curricula and pedagogy, the project secretariat of the National Curriculum*. The fourth map. Tehran: School. (Under review) [In Persian]
- Partners Ardekani , J. , Riahi , H. & Razzaghi , H. (2012). *Council of Higher Tehran: School*. [In Persian]
- Sadeghi Jvlarya, R. (1998). *Opinions of teachers and students towards the content of social science books in the first year of the new system of secondary education in the city of Dezful* . Master's thesis, Tarbiat Moallem University of Tehran. [In Persian]
- Sadeghian , N. (2002). *Research project, a comprehensive curriculum in the secondary*. Tehran : Institute for Research and Planning Education . [In Persian]
- Yarmohammadi , L. (2011). *The problems of implementing the group discussion method of teaching in high schools*. Bijar Teaching Sociology. Master's thesis, Allameh Tabatabai University [In Persian]